



4 فبروری 2018

داکتر سید عبدالله کاظم

مختصری درباره تاریخچه لویه جرگه ها در افغانستان (بخش بیست و هفتم)

جرگه های ملی مشورتی:

تا حال هرچه در باره لویه جرگه و اشکال و اهداف آنها گفته شد، در مجموع شامل کتگوری جرگه های میشد که همه به حیث یک مرجع عالی تصمیماتی ملی پنداشته شده و فیصله یا مصوبه های آنها، چه درحالت خلای قدرت ویا برای تصمیم گیری بر یک موضوع مشخص، از جمله تصویب قانون اساسی کشور، دارای الزامیت اجرائی و قاطعیت تطبیقی بوده اند. برعکس جرگه دیگر ملی که سابقه تاریخی چندان ندارند و اما دو سه بار در چند سال اخیر ریاست جمهوری حامد کرزی بنا بر اصرار او دائر گردیدند، نوعی خاص از جرگه های ملی میباشدند که هدف آن مشوره دادن به دولت دریک موضوع خاص بوده و اما تصویب یا فیصله آنها از الزامیت اجرائی برخوردار نمیشاند.

ازسال 2010 تا 2013 سه بار همچو جرگه های مشورتی در کابل تشکیل شدند: یکی در ارتباط با موضوع صلح و مذاکره با مخالفان مسلح دولت، دومی برای غور برپیمان استراتژیک بین افغانستان و ایالات متحده امریکا و سومی جرگه بزرگ مشورتی برای بررسی موافقتنامه امنیتی دو جانبه بین افغانستان و ایالات متحده امریکا که بخشی از پیمان استراتژیک بین دو کشور محسوب میگردد. با آنکه درهریک از این سه جرگه موضوعات ملی مطرح شدند و در آنها بیش از یکهزار نفر اشتراک داشتند و میتوان آنها را "جرگه ملی" نامید، ولی به سه دلیل ذیل نمیتوان آنها را تحت نام "لویه جرگه" مسمی ساخت: یکی فقدان الزامیت اجرائی فیصله ها و تصاویب آنها؛ دیگر خصلت انتصابی اعضای آن که همه بوسیله فرمان رئیس جمهور فرا خوانده شدند، نه به اساس انتخاب مردم؛ همچنان از لحاظ تعریف لویه جرگه مندرج بند دوم ماده 110 قانون اساسی که: «لویه متشکل است از: 1- اعضای شورای ملی، 2- رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالیها».

با در نظر داشت همچو تفکیک بین لویه جرگه و جرگه مشورتی، در اینجا میخواهم طور نمونه به شرحی درباره دو جرگه مشورتی بپردازم: یکی "جرگه ملی مشورتی صلح" و دیگر "جرگه ملی مشورتی غور بر موافقتنامه امنیتی بین افغانستان و ایالات متحده امریکا".

1 - "جرگه ملی مشورتی صلح افغانستان":

از این واقعیت تلخ نمیتوان انکار کرد که از سالها بدینسو در اثر جنگ، خونریزی و ویرانی بوسیله بمباردمانهای بزرگ هوایی، فیر راکتها و گلوله های قدرتمند توپ و تانک و انفجار مابین ها درکشور آرامش، ثبات و رفاه برهم خورده و یک روز هم مردم بیچاره از این مصیبت در امان نبوده اند. اکنون حملات انتحاری در این چند سال اخیر شیوه ای جدید جنگ و خونریزی را در

کشور معمول ساخته که هربار تعدادی از بیگناهان را به کام مرگ فرو می برد و دل هزارها هموطن را داغدار می سازد.

اینکه چرا این وضع از کودتای ثور تاحال به اشکال و انواع مختلف و شدت های متفاوت ادامه دارد، سؤالیست که ارائه جواب آن در این بحث نمیگنجد، اما در نتیجه آن که عفریت جنگ زندگی مردم را نابود ساخته، بازسازی کشور را مختل نموده و مردم را به فرار از کشور مجبور ساخته است، موجب گردیده تا دوام جنگ نزد مردم به منفورترین پدیده مبدل شود. مردم افغانستان بعد از سقوط طالبان و آغاز حکومت مؤقت و انتقالی با موجودیت قوای بین المللی امیدوار بودند که رایحه صلح به مشام شان خواهد رسید و زندگی در پناه آن باز شکل عادی را بخود خواهد گرفت، اما متأسفانه که در این شانزده سال این آرزومندی و توقع مردم برآورده نشد و هرروز بوی باروت و دود تفنگ و آواز مهیب انفجار در فضای کشور بلند است. در این مدت همیشه خواست مردم از دولت این بوده تا هرچه زودتر در پی صلح با مخالفان مسلح برآید و با آنها به مذاکره بپردازد، تا روزنه ای بسوی صلح باز گردد.

در سال 2009 رئیس جمهور وقت حامد کرزی در جریان انتخابات ریاست جمهوری آن سال به مردم وعده داد که در صورت پیروزی در انتخابات بطور جدی در زمینه اقدام میکند. او پس از پیروزی حین ادای مراسم تحلیف به این وعده خود اشاره کرد و گفت که: «جرگه بزرگی را برای رسیدن به هدف صلح بزودی دائر خواهم کرد.»

این وعده رئیس جمهور در همان آغاز با مشکلاتی روبرو بود، زیرا از یکطرف قوای بین المللی مذاکرات صلح را با طالبان قبل از وقت می دانستند و نمی خواستند دولت افغانستان از یک موقف ضعیف وارد مذاکره با مخالفان شود و از طرف دیگر گروه های مخالف طالبان در داخل نیز به دلایل متعدد، مذاکره با طالبان را بی نتیجه و فقط ضیاع وقت و چشم دوختن به یک سراب می دانستند. با موجودیت همچو مشکلات، تدویر این جرگه چند ماهی به تعویق افتاد و اما به دلیل اینکه صلح یک ضرورت اساسی و آرزومندی ملت بود و برای رسیدن به آن باید تلاش های ممتد صورت میگرفت، لذا تدویر جرگه ملی مشورتی صلح یک ضرورت بود تا هرچه زودتر باید دولت در زمینه داخل اقدام می شد.

رئیس جمهور کرزی برای تنظیم امور این جرگه یک کمیونی را تحت ریاست داکتر فاروق وردک (وزیر معارف) توظیف نمود تا لست اعضای جرگه را با برنامه تدویر آن ترتیب نماید که پس از تأیید رئیس جمهور عملی گردد. برطبق همین برنامه جرگه بتاريخ 12 جوزای 1389 (2 جون 2010م) به ساعت 9:00 صبح با حضور بیش از 1600 نفر عضو مشتمل بر بزرگان قومی، بعضی از وکلای شورای ملی و شورا های ولایتی در زیر خیمه بزرگ لویه جرگه در پولیتخنیک کابل با بیانیه حامد کرزی افتتاح گردید. این جرگه مدت سه روز را در برگرفت و اعضای آن به 28 کمیته فرعی و درهریک از کمیته ها به تعداد بیش از 50 عضو تقسیم شدند. اعضای جرگه به پیشنهاد حضرت صبغت الله مجددی، استاد برهان الدین ربانی را به حیث رئیس جرگه انتخاب کردند. قیام الدین کشاف به حیث معاون، داکتر جعفر مهداوی به حیث منشی و عبدالستار درزابی به عنوان نائب منشی و خانم ناجیه زیوری به عنوان عضو هیئت رهبری جرگه انتخاب شدند. دراجندای این جرگه بطورکل سه موضوع گنجانیده شده بود: - شناخت مخالفان، - توافق عمومی برای مصالحه و - دریافت میکانیزم صلح.

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

رئیس جمهور حامد کرزی در یک قسمت بیانیه افتتاحیه خود خطاب به اعضای جرگه گفت: «امروز من بار دیگر به تمام مردم افغانستان ابلاغ میکنم که باید بکوشند که هموطنان گمراه خود را در پرتو قانون اساسی و زندگی صلح آمیز فراخوانند. جرگه امروزی به این مقصد دائر شده که چگونه میتوان در راه استحکام صلح کار کرد و با کی ها از راه صلح پیش آمد. امروز ملت افغانستان چشم براه مشوره ها و نظریات شما میباشند تا ملت را از رنج و درد جاری برهاند. امیدوارم در این سه روز که جرگه دوام میکند، به چنان مشوره ها و نظریات برسید که در پرتو آن صلح در کشور تأمین شود و دوستی افغانستان با جهان از آن استحکام یابد و این سرزمین بسوی پیشرفت قدم بگذارد. از طالبان نیز میخواهم و به آنها صدا میکنم که طالب جان به پروسه صلح بپیوند و از جنگ دست بردار... با افراد مرتبط با القاعده و کسانی که دست شان به خون مردم بیگناه آلوده است، هرگز مذاکره نخواهم کرد.» اما برهان الدین ربانی رئیس جرگه ضمن ابراز مخالفت با طالبان به این موضوع اشاره کرد که موجودیت پیش شرط ها، موانع را در برابر تلاشهای صلح ایجاد میکند.

نکات مهم قطعنامه "جرگه ملی مشورتی صلح افغانستان":

جرگه ملی مشورتی صلح که به اشتراک 1600 نفر از 12 الی 14 جوزای 1389 در خیمه لویه جرگه در کابل دائر گردید، در پایان کار قطعنامه ای را مشتمل بر سه فصل و 16 ماده صادر نمود که متن مکمل آن را در همان روز "رادیو آزادی" به نشر سپرد. اینک توجه را به بعضی نکات مهم آن جلب میدارم:

در یک قسمت مقدمه آن آمده است: «اعضای جرگه ملی مشورتی صلح طی سه روز مطابق اجندای مطروحه در جلسات متعدد کمیته های کاری و جلسه عمومی بحث های همه جانبه نموده و بالای مواد آتی به توافق رسیدند:

- ما اشتراک کنندگان جرگه ملی مشورتی صلح، با درک مکلفیت های دینی و ملی خویش و با در نظر داشت اینکه صلح یک ضرورت حیاتی و خواست هر فرد این ملت بوده، از ابتکار و تعهد رئیس جمهوری اسلامی افغانستان که بر مبنای مشوره با ملت برای پایان دادن به جنگ و خونریزی در کشور و رسیدن به صلح پایدار از طریق مسالمت آمیز اتخاذ گردیده، پشتیبانی همه جانبه می نمائیم؛

- ما از عزم، تحمل، شکیبایی و قربانی های مردم مسلمان افغانستان برای رسیدن به صلح پایدار و رفاه همگانی در کشور قدردانی می نمائیم؛

- مردم افغانستان حمایت همه جانبه جامعه جهانی به خصوص ایالات متحده امریکا را در بازسازی نهاد های ملی و زیر بناهای کشور به دیده قدر نگرسته و خواهان ادامه همکاری های وسیع، مؤثر و بنیادی شان می باشیم؛

- ما از تلاشهای دلسوزانه کشورهای اسلامی، بالاخص خادم حرمین شریفین پادشاه عربستان سعودی و جمهوری ترکیه برای پشتیبانی از اقدامات و ابتکاراتی که منجر به صلح در کشور جنگ زده ما شود، قدردانی نموده، خواهان تداوم، تسریع و گسترش همکاری بیشتر آنها می باشیم.»

در ادامه اشتراک کنندگان جرگه ملی مشورتی صلح از دولت افغانستان و طرف های درگیر جنگ و دیگر حلقات تقاضا کردند تا در تعمیم مواردی که تحت شانزده فقره جزبندی شده، اقدام صادقانه، فوری و ملموس نمایند. فقرات اول تا هشتم بیشتر به توجه طرفهای درگیر جنگ بخصوص طالبان و حزب اسلامی حکمتیار رسانیده شده؛ مخاطب فقره هشتم دولت افغانستان و نیروهای بین المللی

میباشند؛ در فقرات نهم و دهم به نقش علمای دینی و مردم و نیز رسانه های جمعی اشاره گردیده؛ و اما فقرات یازدهم تا پانزدهم به ایجاد یک میکانیزمی اختصاص یافته که اعضای اشتراک کننده جرگه برای مذاکره با ناراضی ها پیشنهاد کرده اند. فقره اخیر درباره مسئله اسرائیل و فلسطین است که یک تذکر ضمنی شمرده میشود.

اینک متن هریک از فقرات قطعنامه مذکور ذیلاً اقتباس میگردد:

«1 - ما اشتراک کنندگان جرگه ملی مشورتی صلح از تمام طرف های درگیر جنگ مطالبه می نمائیم تا در مطابقت با ارشادات دین مقدس اسلام، به ندا و خواست مردم افغانستان برای قطع جنگ، برادر کشی و رسیدن به صلح دائمی لیبیک گفته و راه مفاهمه و مذاکره را در پیش گیرند. این ابتکار صلح و آشتی میان تمام افغان ها بوده و به هیچ وجه در برگیرنده عناصر افراطی و شبکه های تروریستی بین المللی نمیباشد؛

2 - دولت باید یک برنامه همه جانبه را برای آغاز پروسه صلح، با در نظر داشت فیصله های جرگه ملی مشورتی صلح تدوین و تلاش برای تأمین صلح را بحیث یک استراتژی ملی و دائمی اعلان نماید؛

3 - تلاشهای صلح نباید دست آورد های نظام و ارزش های قانونی آن را زیر سؤال قرار داده و منجر به ایجاد بحران تازه در کشور گردد؛

4 - جهت رسیدن به صلح پایدار، تعهدات همه جانبه و صادقانه تمام جناح های ذیدخل یک امر ضروری میباشد. ما اشتراک کنندگان جداً تقاضا می نمائیم تا به خواست مردم افغانستان و اشتراک کنندگان جرگه ملی مشورتی صلح و فیصله های این جرگه احترام گذاشته و بصورت جدی و صادقانه در عمل پیاده گردد، در غیر آن به ارزش تاریخی جرگه صدمه وارد خواهد شد؛

5 - ما از تمام جناح های ذیل تقاضا می نمائیم تا از پیش شرط هایی که زمینه آغاز مذاکره و مفاهمه را غیرممکن می سازند، اجتناب نموده و روش های سازنده و انعطاف پذیر را برای آغاز تفاهم روی دست گرفته، حسن نیت خویش را ابراز نمایند؛

6 - جلوگیری از دامن زدن به مسائل قومی، منطوقی، لسانی، سمتی، تنظیمی، مذهبی و سیاسی که منجر به خدشه دار شدن وحدت ملی میگردد، در اولویت های کاری اطراف ذیدخل قرار داده شود؛

7 - فراهم سازی زمینه های سرمایه گذاری جهت تقویه بنیه اقتصادی، انکشاف و رشد منابع بشری و زیر ساخت های کشور، به منظور اشتغال، کاهش فقر و ارتقای ظرفیت های تعلیمات اسلامی و عمومی در صدر برنامه های دولت قرار گیرد.»

فقره هشتم قطعنامه جرگه ملی مشورتی صلح که شامل تقاضا ها از دولت افغانستان و نیروهای بین المللی مستقر در کشور میباشد، تحت چند جز با عبارات ذیل خلاصه شده است:

«ما از دولت افغانستان و نیروهای بین المللی مستقر در افغانستان تقاضا می نمائیم که:

- بعنوان حسن نیت، در مورد آزادی آن عده افرادی که به اساس راپورهای نادرست و یا اتهامات ثابت ناشده در زندانهای مختلف بسر می برند، اقدام فوری و جدی نماید؛

- دولت باید در تفاهم با جامعه جهانی در مورد حذف اسامی مخالفین از لست سیاه اقدام عاجل نماید؛

- دولت و نیروهای بین المللی باید امنیت و مصئونیت کسانیرا که به پروسه صلح می پیوندند، تضمین و تأمین نماید و زمینه بازگشت ایشان را به زندگی مصئون مساعد سازد؛

- از نیرو های بین المللی و افغانی جداً تقاضا می‌گردد تا از دستگیری های بیمورد و تلاشی های خود سرانه منازل و بمباردمان ساحات مسکونی که باعث تلفات ملکی می‌گردد، جداً خودداری ورزند؛

- دولت باید اقدامات جدی را برای بدست گرفتن رهبری عملیات نظامی و هماهنگی میان نیروهای بین المللی موجود در افغانستان رویدست گیرد؛

- ناراضیان مسلح باید خشونت و همه فعالیت های را که منجر به قتل هموطنان عزیز و تخریب زیربنا ها می‌گردد، ترک نموده و رابطه خود را با شبکه های القاعده و تروریستی قطع نمایند؛

- از جامعه بین المللی تقاضا بعمل می آید تا در تجهیز، آموزش و تقویة نیروهای امنیتی افغانستان همکاری و اقدامات جدی نماید، تا این نیروها قادر گردند که مسئولیت تأمین امنیت مردم و کشور خود را به عهده گیرند؛

- ما از جامعه بین المللی خواهان تعهدات دراز مدت هستیم، تا افغانستان دوباره به میدان کشمکش ها و رقابت های منطقوی مبدل نگردیده و از مداخلات بیرونی جلوگیری بعمل آمده، زمینه را برای تقویة همکاری های منطقوی مساعد سازد؛

- ما از جامعه بین المللی تقاضا می نمائیم تا از پروسه صلح تحت رهبری جمهوری اسلامی افغانستان پشتیبانی همه جانبه نمایند؛

- دولت با همکاری مردم با ایجاد حکومتداری خوب، سپردن کار به اهل کار، مبارزه علیه فساد اداری، اخلاقی و غصب [چه؟ - مقصد دارائی های عامه است] در سطح مرکز و ولایات اقدام نماید. این اقدامات اعتماد مردم را بالای دولت بیشتر ساخته و در نزدیک ساختن ملت با دولت و موفقیت پروسه صلح، نقش کلیدی ایفاء می نماید؛

- مردم افغانستان خواستار صلح عادلانه می باشند که در آن حقوق تمام اتباع کشور به شمول زنان و اطفال در نظر گرفته شده باشد و به منظور تأمین عدالت اجتماعی، جرگه تأکید می نماید تا قوانین بالای تمام اتباع کشور طور یکسان تطبیق گردد.»

در فقرات نهم و دهم چنین آمده است:

«9 - ما اشتراک کنندگان این جرگه از علمای کرام، مسئولین و دست اندرکاران رسانه های صوتی، چاپی و تصویری تقاضا به عمل می آوریم تا از منابر مساجد و وسایل ارتباط همگانی برای تبلیغ صلح و ترک خشونت استفاده رسالت مندانه و مسئولانه به عمل آورند؛

10 - ما اشتراک کنندگان این جرگه از تمام مردم متدین خویش تقاضا می نمائیم تا یکجا با دولت برای پایان دادن به نا آرامی های کنونی کشور دست بدست هم داده و در موفقیت این پروسه تلاش نمایند. دولت باید تمام تدابیر لازم را به همکاری مردم برای تأمین امنیت رویدست گرفته و جلو اعمال تخریب کارانه و تروریستی را بگیرد.»

قطعنامه جرگه ملی مشورتی صلح با ذکر فقرات 11 تا 16 زیر عنوان "میکنایم برای مذاکره با نا راضیان" حاوی مطالب ذیل است:

«11 - کمسیون با صلاحیت یا شورای عالی صلح برای عملی ساختن مشوره های جرگه و پیشبرد پروسه صلح در کشور ایجاد گردد. این نهاد به مرور زمان نمایندگی های ولایتی، ولسوالی و محلی خود را ایجاد و توسعه بخشد که در ترکیب آن شخصیت های مصلح اعم از برادران و خواهران دلسوز، علمای کرام، بزرگان قوم، یک نفر نماینده از مجلسین شورای ملی و مخالفین که دست

از جنگ برداشته باشند، شامل گردند. این شورا باید کمیته خاص را برای رسیده گی به زندانیان، رهائی و بازگشت آنها به زندگی عادی ایجاد نماید؛

12 - ما اشتراک کنندگان این جرگه ملی مشورتی صلح تعهد می نمائیم تا به صفت پیام آوران صلح حین بازگشت به مناطق و محلات خود، پیام صلح این جرگه را به مردم خود رسانیده و در این راه سعی و تلاش همه جانبه را به همکاری ادارات محلی، علماء، بزرگان قوم، جوانان و زنان به راه اندازیم تا باشد سهم دینی و ملی خویش را در تأمین صلح ایفا نمائیم؛

13 - جهت کسب حمایت جامعه جهانی از قطعنامه جرگه ملی مشورتی صلح، دولت جمهوری اسلامی افغانستان مکلفیت دارد تا آنرا شامل اجندای کنفرانس کابل نماید؛

14 - دولت باید از طریق میکانیزمی که ایجاد میگردد، در مورد پیشرفت برنامه صلح مردم را طور متداوم و شفاف در جریان قرار دهد؛

15 - سفارشات کمیته های بیست و هشت گانه، جهت تدوین و پیگیری برنامه عمل و استراتژی صلح، ضمیمه قطعنامه میباشد؛

16 - در اخیر جرگه ملی مشورتی صلح به نمایندگی از ملت مسلمان افغانستان، حمله وحشیانه نیروهای نظامی اسرائیل را در آب های بین المللی بالای کاروان کمک های بشر دوستانه برای مردم مظلوم و محاصره شده فلسطین در نوار غزه که منجر به قتل و جراحت ده ها تن گردیده، شدیداً تقبیح کرده با خانواده های کشته شدگان و مجروحین ابراز همدردی می نمایند، از بارگاه ایزد متعال صبر و استقامت را برای شان استدعا میکند. از ملل متحد و جامعه جهانی جداً تقاضا میگردد تا به محاصره ظالمانه نوار غزه خاتمه دهند.» (پایان قطعنامه جرگه ملی مشورتی صلح افغانستان)

مخالفت ها با تدویر جرگه ملی مشورتی صلح:

از همان اول طالبان و حزب اسلامی حکمتیار از اشتراک در این جرگه خودداری کردند و اشتراک خود را مشروط به خروج قوای خارجی از کشور و نیز تعدیل قانون اساسی افغانستان ساختند که این دوشروط به هیچ وجه از طرف دولت افغانستان قابل پذیرش نبود. طالبان و حزب اسلامی جواب رد خود را نه تنها به زبان بیان کردند و گفتند که تدویر این جرگه کار امریکائی ها است، بلکه با فیر یک راکت که در جوار محل تدویر جرگه اصابت کرد، عملاً مخالفت خود را نشان دادند. این راکت هنگامی منفجر شد که کرزی مصروف ایراد بیانیه در جرگه بود و پس از شنیدن صدای مهیب انفجار، خطاب به اعضای جرگه گفت: «نگران نباشید، آرام در جاهای تان بنشینید، خیر خیریت است. ما با این حملات عادت کرده ایم.»؛ همچنان در روز سوم چند طالب با لباس زنانه در حواشی پولیتخنیک گرفتار شدند که عزم ورود به محل جرگه را داشتند.

در اینجا باید خاطر نشان ساخت که حین تدویر جرگه مشورتی در کابل، یک عده اعضای طالبان و حزب اسلامی در کشور "مالدیو" به تشبث همایون جریر - داماد حکمتیار مجلسی را برگزار کردند که در آن 45 نماینده از طالبان و حزب اسلامی و 25 تن از اعضای پارلمان افغانستان اشتراک داشتند.

تشکیلی بنام "جبهه ملی افغانستان" به حیث یک ائتلاف سیاسی مخالف دولت، عدم اشتراک خود را در این جرگه نیز اعلام کرد. فاضل سنچارکی سخنگوی این جبهه ضمن مصاحبه با بی بی سی گفت: «این جرگه از نظر ما وزن و اعتبار و جایگاه حقوقی لازم را ندارد و ثانیاً این جرگه ای فرمایشی و حکومتی است و اعضای آن توسط مقامات حکومتی از گوشه و کنار کشور گلچین شده اند.»

جنرال دوستم رئیس جنبش ملی نیز با انتشار یک اعلامیه تدویر این جرگه را یک کار بیهوده تلقی کرد و با انتقادهای شدید از حکومت گفت که: جرگه به هدف صلح دائر نشده، بلکه آنرا حکومت برای اهداف دیگری به وجود آورده است. عدم اشتراک دوستم، محقق و ضیاء مسعود را بعضی ها چنین تعبیر کردند که گویا جرگه ماهیت ملی نداشته است، اما برگزار کنندگان جرگه گفتند که از ایشان دعوت اشتراک بعمل آمده بود، اینکه در آن اشتراک نکردند، کار خودشان بوده است.

برخی از اعضای ولسی جرگه نیز نظر موافق با تدویر این جرگه، ولو زیر نام مشورتی بوده باشد، نداشتند و با آن مخالفت کردند. ولسی جرگه بعد از مباحثات زیاد به این نتیجه رسید که هر یک از اعضای ولسی جرگه میتوانند بطور شخصی در جرگه اشتراک نمایند و اما ولسی جرگه به عنوان یک نهاد در آن حضور نمی یابد، درحالیکه مشرانو جرگه حضور خود را در آن جرگه به حیث یک نهاد تأیید کرد.

یکی دیگر از رویداد های مهم به ارتباط این جرگه، همانا احضار مقام های امنیتی به ارگ ریاست جمهوری بود، تا در باره حملات راکتی که حین جریان لویه جرگه در روز اول در حاشیه خیمه بزرگ به وقوع پیوست، توضیحات ارائه دارند. برطبق اعلامیه دفتر ریاست جمهوری، حنیف اتمر وزیر داخله و امرالله صالح رئیس عمومی امنیت ملی چون نتوانستند جواب قناعت بخش ارائه دهند، لذا هر دو استعفی شانرا به رئیس جمهور پیش کردند که فوراً ازطرف رئیس جمهور پذیرفته شد. گفته میشود که انگیزه اینکار برمیگردد به تصمیم قبلی رئیس جمهور تا برای ابراز حسن نیت به پاکستان و ایجاد فضای مساعد برای تفاهم با آن کشور، باید دو مخالف جدی پاکستان را از مقام های شان به نحوی برکنار کند.

نتایج حاصل از جرگه و پی آمدهای آن:

با آنکه ایالات متحده امریکا در آغاز تدویر این جرگه را قبل از وقت میدانست، اما بعداً از قطعنامه لویه جرگه استقبال کرد و کارل آیکن بیری سفیر کبیر آن کشور در کابل گفت که: حالا این وظیفه دولت افغانستان است که در خصوص عملی نمودن فیصله های این جرگه تلاش جدی نماید. ایالات متحده نیز در این راستا با دولت افغانستان همکاری خواهد کرد. او درباره آزاد ساختن تعدادی از زندانی ها و حذف نام بعضی از رهبران طالبان از لست سیاه سازمان ملل متحد علاوه کرد که: «جواب به این درخواست نیاز به فیصله جامعه جهانی بخصوص پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد دارد که باید در این راستا توافق داشته باشند. حکومت افغانستان در این خصوص میتواند به اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد مراجعه نماید.»؛ دراین میان اتحادیه اروپا و جمهوری ترکیه و متعاقباً بعضی کشورهای دیگر از فیصله های جرگه استقبال کردند.

یکی از پی آمدهای مهم این جرگه اعطای جواز رسمی مذاکره با طالبان برای حامد کرزی رئیس جمهور کشور بود که میتواند از این به بعد باب مذاکره را با آنها باز کند، اما این نکته که باید مذاکره با آن عده طالبانی صورت گیرد که از لحاظ فکری با افراط گرایان از قبیل القاعده در تماس نباشند، یک معضله جدی محسوب می شد. طوریکه بعد ها دیده شد، پس از تشکیل شورای عالی صلح از انوقت تا امروز هیچ نتیجه عملی در زمینه بدست نیامده است. اگرچه گلبدین حکمتیار رئیس حزب اسلامی سال گذشته با امضای یک پروتوکل و موافقتنامه با دولت افغانستان دست از مخالفت با دولت کشید و اکنون در کابل حضور دارد، اما سائر شاخه های مخالفان مسلح دولت، از جمله طالبان و بخصوص گروپ حقانی به همکاری سازمانهای افراطی مقیم پاکستان زیر نظر آی اس آی

نه تنها با فیصله های این جرگه وقعی نگذاشتند، بلکه هر روز بر شدت عملیات خرابکارانه و مسلحانه خود افزودند و در این اواخر با حملات انتحاری در شهر های بزرگ کشور بخصوص در شهر کابل به صدها تن مردم بیگناه را به شهادت رسانیده اند.

شورای عالی صلح با همه تشکیلات وسیع و معاشات دالری در این چند سال کاری قابل ذکر را در راستای تطبیق مواد قطعنامه انجام نداده و گفته میشود که اعضای این جرگه با کسب امتیازات مالی و داشتن مقام و منزلت تاحال فقط مصروف روزگزرانی و حرافی بوده و نشانه ای از عاملیت شان به چشم نمیخورد.

بیمور نخواهد بود که پیرامون این سؤال که آیا صلح با طالبان، امریست محال؟، نظری مختصر بیک قسمت مقاله بیندازیم که همین امروز (14 دلو 1396) در روزنامه هشت صبح بقلم صمد دلاور به نشر رسیده که در یک قسمت آن چنین آمده است: «کشتار وسیع مردم ملکی از سوی طالبان موجی از عصبانیت و خشم را در کشور به وجود آورده است و تحت چنین جوی کاخ سفید و ارگ ریاست جمهوری به صراحت می‌گویند که دیگر چیزی به نام صلح با طالبان ممکن نیست. دونالد ترمپ، رییس جمهور امریکا می‌گوید که وقتی طالبان چپ و راست مردم عادی را می‌کشند، بیش از این صلح و گفتگو معنایی ندارد. ارگ نیز می‌گوید که پس از این باید صلح را در میدان جنگ به دست آورد. یعنی صلح تنها پس از شکست نظامی طالبان ممکن است.» نویسنده مقاله در ادامه می‌افزاید: «با توجه به تلاش‌های ناکام برای مصالحه و حملات پیوسته طالبان بر اهداف غیر نظامی، در داخل افغانستان هرگز خوشبینی‌ای نسبت به صلح با طالبان وجود نداشته است؛ چون پاکستانی‌ها و طالبان در عمل اراده‌ی گفتگو و اتخاذ رویکرد سیاسی را از خود بروز نداده‌اند. پاکستانی‌ها توقع دارند که افغانستان در سیاست خارجی و داخلی خود به عنوان یک کشور زیرحمایت اردوی پاکستان عمل کند. طالبان هم با توجه به گسترش ساحه‌ی نفوذ و سازمان‌دهی حملات گسترده‌ی تروریستی بر پایتخت، اعتراف حکومت افغانستان به فروپاشی اردوی کشور پس از خروج امریکایی‌ها و قطع کمک‌های بین‌المللی، اختلافات شدید درونی و تهدید چهره‌های شاخص داخلی به شورش و نافرمانی عمومی و ناتوانی حکومت به اعمال فرامین و قوانینش، دلیلی برای امتیاز دادن و نشستن با حکومتی که خود امیدی به آینده‌اش ندارد، نمی‌بینند. از این رو، موضع‌گیری جدید حکومت مبنی بر دست‌یابی به صلح از طریق فشار سهمگین نظامی بر طالبان نتیجه‌ی ناگزیر این وضعیت است.» اما آیا در این کار موفق خواهد شد؟ باز هم سؤالیست که جواب آن در این مبحث نمی‌گنجد.

(ادامه دارد)

د پانو شمیره: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاره ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ